

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. مد برابر ۷ است، چون فراوانی عدد ۷ از بقیه بیشتر است. میانگین را حساب می‌کنیم.

$$\bar{x} = \frac{(2 \times 4) + (3 \times 5) + (4 \times 6) + (5 \times 7)}{2 + 3 + 4 + 5} = \frac{82}{14}$$

$$\text{اختلاف مد و میانگین} \approx 7 - \frac{82}{14} = \frac{98 - 82}{14} = \frac{16}{14} \approx 1/1$$

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. بهترین روش گردآوری داده‌ها در بررسی کیفیت سیب‌های یک باغ سیب روش مشاهده، در بررسی تعداد فوتی‌های ماه گذشته‌ی یک بیمارستان بر اثر بیماری کرونا و روش دادگان‌ها و در موضوع سرشماری نفوس و مسکن روش پرسش‌نامه است.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. با توجه به داده‌های اولیه و رابطه میانگین داریم:

$$x_1, x_2, \dots, x_n \Rightarrow \bar{x} = \frac{x_1 + x_2 + \dots + x_n}{n} \xrightarrow{\bar{x}=10} x_1 + x_2 + \dots + x_n = 80$$

میانگین داده‌های جدید برابر است با:

$$\begin{aligned} \bar{X} &= \frac{2x_1 + 1 + 2x_2 + 2 + 2x_3 + 3 + \dots + 2x_n + 8}{n} \\ &= \frac{2x_1 + 2x_2 + 2x_3 + \dots + 2x_n + 1 + 2 + 3 + \dots + 8}{n} = \frac{2(x_1 + x_2 + \dots + x_n) + 36}{n} \\ &= \frac{2 \times 80 + 36}{n} = \frac{196}{n} = 24/5 \end{aligned}$$

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. روش مناسب استفاده از دادگان‌ها است زیرا اطلاعات شخصی دانش‌آموزان مدرسه در روز ثبت‌نام ثبت می‌شود که به سادگی می‌توان روز تولد همه آن‌ها را به دست آورد.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. به‌جز  $x$  ترتیب از کوچک به بزرگ ۷ داده دیگر به این صورت است

۵۰، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۷۰، ۷۷ در این ۷ داده، میانه برابر ۶۵ است. حال با جای‌گذاری گزینه‌ها به جای  $x$ ، نتیجه می‌گیریم که اگر  $x = ۶۵$  باشد، آن‌گاه میانگین داده‌ها نیز برابر ۶۵ خواهد بود و میانگین و میانه با هم برابر خواهند بود.

$$\Rightarrow \bar{x} = \frac{50 + 63 + 64 + 2(65) + 66 + 70 + 77}{8} = \frac{520}{8} = 65$$

گزینه ۳ پاسخ صحیح است.

$$\bar{x} = \frac{15 + 25 + 35 + 45 + 55 + 65}{6} = \frac{240}{6} = 40$$

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. با بررسی هر مورد داریم:

(الف) تحلیل داده‌ها (ب) تفسیر نتایج (ج) طرح و برنامه‌ریزی

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. مشخصه ۴۰٪ چون مربوط به قد کل افراد جامعه است، پس یک پارامتر است و عدد ۶۰٪ چون مربوط به وزن نمونه‌ای از جامعه است، پس یک آماره می‌باشد.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. (ص ۳۰)

$$\text{میانگین} = \frac{(2 \times 8/5) + (4 \times 11) + (2 \times a) + (3 \times 14) + (3 \times 18)}{2 + 4 + 2 + 3 + 3} = 13/5$$

$$\Rightarrow \bar{x} = \frac{17 + 44 + 2a + 42 + 54}{14} = 13/5$$

$$\Rightarrow 2a + 157 = 189 \Rightarrow 2a = 32 \Rightarrow a = 16$$

داده‌ها را مرتب می‌کنیم:

$$8/5, 8/5, 11, 11, 11, 11, \underbrace{14, 14, 14, 14}, 16, 16, 18, 18, 18$$

تعداد داده‌ها ۱۴ تا است، بنابراین:

$$\text{میانه} = \frac{\text{داده ی هشتم} + \text{داده ی هفتم}}{2} = \frac{14 + 14}{2} = 14$$

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. پس از تحلیل داده‌ها (گام چهارم) باید بتوانیم با تفسیر نتایج، پاسخی برای مسئله‌ی اصلی پیدا کنیم. مورد فوق در گام پنجم چرخه‌ی آمار (بحث و نتیجه‌گیری) انجام می‌پذیرد.

۱۱

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. از نمودار (طول مستطیل و طول میله‌ی خطا)، متوجه می‌شویم که:  $\sigma = 2$  و  $\bar{x} = 10$  پس واریانس داده‌ها برابر ۴ خواهد بود. ضمناً می‌دانیم در داده‌های نرمال، میانگین، میانه و مُد همگی با هم برابرند، پس میانه و مُد، هر کدام برابر ۱۰ هستند و لذا مجموع آن‌ها برابر ۲۰ خواهد بود. توجه کنید که ۶۸٪ داده‌ها بین  $\bar{x} - \sigma$  و  $\bar{x} + \sigma$  یعنی بین ۸ و ۱۲ قرار دارند. همچنین ۹۶٪ داده‌ها بین  $\bar{x} - 2\sigma$  و  $\bar{x} + 2\sigma$  یعنی بین ۶ و ۱۴ واقع هستند.

۱۲

گزینه ۳ پاسخ صحیح است.

۱۳

$$\text{میانگین اولیه} = \frac{17 + 11 + 14 + 18 + 15}{5} = \frac{75}{5} = 15$$

عدد اضافی شده‌ی موردنظر را  $a$  فرض می‌کنیم، طبق فرض مسئله میانگین ۱ واحد افزایش یافته است:

$$\text{میانگین جدید} = 15 + 1 = 16 = \frac{17 + 11 + 14 + 18 + 18 + a}{6} = \frac{75 + a}{6}$$

$$\Rightarrow 16 = \frac{75 + a}{6} \Rightarrow 75 + a = 96 \Rightarrow a = 96 - 75 = 21$$

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. روش نمونه‌گیری مربوط به گام دوم است.

۱۴

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. گردآوری داده‌ها به یکی از روش‌های ممکن را آمارگیری می‌گویند و داده‌ها واقعیت‌هایی درباره‌ی یک چیزند که در محاسبه، استنباط یا برنامه‌ریزی به کار می‌روند.

۱۵

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. تقریباً ۹۶ درصد داده‌ها در بازه‌ی  $(\bar{x} - 2\sigma, \bar{x} + 2\sigma)$  قرار دارند، از آن‌جا که  $\sigma = 2$ ،  $\bar{x} = 5$  می‌باشد، داریم:

۱۶

$$(\bar{x} - 2\sigma, \bar{x} + 2\sigma) = (5 - 4, 5 + 4) = (1, 9)$$

$$IQR = Q_3 - Q_1 = 10 - 3 = 7$$

$$Q_1 + Q_2 + Q_3 = 3 + 8 + 10 = 21$$

در داخل جعبه، میانه به سمت راست جعبه نزدیکتر است، پس پراکندگی داده‌ها در سمت چپ میانه، بیش‌تر از سمت راست است. ضمناً به کمک نمودار جعبه‌ای نمی‌توان مد را به دست آورد.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. ۶۸ درصد داده‌ها در فاصله‌ی  $(\bar{x} - \sigma, \bar{x} + \sigma)$  قرار دارند:

$$x - \sigma = 35 \Rightarrow 40 - \sigma = 35 \Rightarrow \sigma = 5 \Rightarrow \sigma^2 = 25$$

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. می‌دانیم ۹۶ درصد داده‌ها در فاصله‌ی ۲ برابر انحراف معیار از میانگین قرار دارند. بنابراین بازه‌ی موردنظر به صورت  $(\bar{x} - 2\sigma, \bar{x} + 2\sigma)$  است. یعنی:

$$(152 - 2 \times 6, 152 + 2 \times 6) = (140, 164)$$

گزینه‌ی ۲ پاسخ صحیح است. واضح است که رنگ پوست افراد، کمیت نیست بلکه یک متغیر کیفی است. ضمناً ترتیبی در رنگ پوست وجود ندارد، بلکه اسمی است.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. مفهوم کلی گزینه‌های ۱، ۲ و ۳ (جانبازی و سرسپردگی عاشق) مفهوم بیت گزینه‌ی ۴: (وفاداری عاشق تا مرگ)

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. در گزینه‌های ۱، ۳ و ۴ در دو مصراع کلمات دو به دو مقابل هم دارای سجع متوازی هستند و ترصیع برقرار است.

در گزینه‌ی ۲ بین دو واژه بیان و مقال سجع متوازن برقرار است و قاعده‌ی ترصیع را به هم می‌ریزد و موازنه می‌سازد.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. تقابل سجع‌های متوازن و متوازی موجب آرایه‌ی «موازنه» می‌شود.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. الف) تقابل سجع‌های متوازن و متوازی در دو مصراع آرایه‌ی «موازنه» پدید می‌آورد. ب) تقابل سجع‌های متوازی در دو مصراع آرایه‌ی «ترصیع» پدید می‌آورد.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. ه) هر که او را قدمی هست ز سر ننديش  
هر که او را گهري هست ز زر ننديش  
تقاطع سجع‌ها در دو مصراع متوازی است و آرایه‌ی ترصیع ساخته است.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. در گزینه‌های ۲، ۳ و ۴ کلمات روبه‌روی دو مصراع دارای سجع متوازن و متوازی هستند. ولی در گزینه‌ی ۱ این قاعده برقرار نیست.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است.

ترصیع دارد و موسیقایی‌تر است، اما گزینه‌های دیگر موازنه دارند. موسیقی حاصل از ترصیع گوش‌نوازتر است.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است.

آرایه‌ی ترصیع دارد چون واژه‌های مصراع اول با مصراع دوم سجع متوازی‌اند (بالاییم، دریابیم) بررسی سایر گزینه‌ها: ۱) در بیت موازنه وجود دارد کلمات مطرب و ساقی سجع متوازن‌اند و سایر سجع‌ها متوازی‌اند.

۲) بین تمام کلمات سجع متوازن است پس موازنه دارد.

۳) کلمات دل و جان سجع متوازن‌اند و دیگر سجع‌ها متوازی‌اند.

در بیت گزینه‌ی (۲) کلمات دو مصراع در مقابل هم سجع متوازن ندارند و موازنه نمی‌سازند. بررسی سایر گزینه‌ها:

- (۱) روزگارت همی دهد تعظیم < موازنه دارند  
 کردگارت همی دهد اجلال  
 (۳) گر قهر سزای ماست آخر < موازنه دارند  
 هم لطف برای ماست آخر  
 (۴) گر تن حبشی سرشته است < موازنه دارند  
 و ر خط خنثی نبشته است

در گزینه‌های (۱)، (۳) و (۴) کلمات دو مصراع دو به دو در مقابل هم دارای سجع متوازی هستند.  
 (۲) بین دو واژه‌ی بیان و مقال سجع متوازی برقرار نیست و بیت فاقد ترصیع است.

|     |    |    |      |     |    |
|-----|----|----|------|-----|----|
| جان | ما | را | صفای | خود | ده |
| ↓   | ↓  | ↓  | ↓    | ↓   | ↓  |
| دل  | ما | را | هوای | خود | ده |

|      |      |    |     |    |      |      |
|------|------|----|-----|----|------|------|
| بدان | حجّت | که | دل  | را | زنده | دارد |
| ↓    | ↓    | ↓  | ↓   | ↓  | ↓    | ↓    |
| بدان | آیت  | که | جان | را | بنده | دارد |

وزن مشترک بیت سؤال و گزینه‌ی (۳): مفاعیلن مفاعیلن فعولن

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. در ابیات «ج»، «د» و «و» آرایه‌ی ترصیع وجود دارد و سایر ابیات آرایه‌ی موازنه دارند.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. در گزینه‌ی (۴) شکل پیشرفته‌ی موازنه (ترصیع) به کار رفته که بی‌شک، تأثیر و گوش‌نوازی موسیقایی بیشتری دارد. در این بیت، همه‌ی کلمات مصراع دوم هم در وزن و هم در حرف پایانی با کلمات مصراع اول مشترکند.

|       |     |    |    |     |      |
|-------|-----|----|----|-----|------|
| کشیدم | قلم | بر | سر | نام | خویش |
| ↓     | ↓   | ↓  | ↓  | ↓   | ↓    |
| نهادم | قدم | بر | سر | کام | خویش |

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) موازنه

|    |     |    |         |    |     |    |         |
|----|-----|----|---------|----|-----|----|---------|
| ای | آب  | چه | می‌شویی | وی | باد | چه | می‌جویی |
| ↓  | ↓   | ↓  | ↓       | ↓  | ↓   | ↓  | ↓       |
| ای | رعد | چه | می‌غزی  | وی | چرخ | چه | می‌گردی |

(۳) موازنه ندارد.

(۴) موازنه ندارد.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. در گزینه‌ی (۳) واژه‌های «حکم و قضای» و همین‌طور «سرگردانی و حیرانی» هم‌وزن نیستند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

|     |      |           |       |
|-----|------|-----------|-------|
| چرا | مطرب | نمی‌خواند | سرودی |
| ↓   | ↓    | ↓         | ↓     |
| چرا | ساقی | نمی‌گوید  | درودی |

  

|     |    |    |        |       |
|-----|----|----|--------|-------|
| نام | تو | چو | آفتاب  | معروف |
| ↓   | ↓  | ↓  | ↓      | ↓     |
| کام | تو | چو | روزگار | غالب  |

  

|     |    |    |      |     |      |
|-----|----|----|------|-----|------|
| چرخ | ار | چه | رفیع | خاک | پایت |
| ↓   | ↓  | ↓  | ↓    | ↓   | ↓    |
| عقل | ار | چه | بزرگ | طفل | راحت |

(۱)

|       |      |    |    |      |    |       |
|-------|------|----|----|------|----|-------|
| شاگرد | نعمت | به | هر | مقام | که | بودیم |
| ↓     | ↓    | ↓  | ↓  | ↓    | ↓  | ↓     |
| داعی  | دولت | به | هر | طریق | که | هستیم |

(۲)

|      |       |     |    |              |
|------|-------|-----|----|--------------|
| غلام | نرگس  | مست | تو | تاجداران اند |
| ↓    | ↓     | ↓   | ↓  | ↓            |
| خراب | بادهی | لعل | تو | هوشیاران اند |

(۴)

|     |     |        |    |     |    |     |      |
|-----|-----|--------|----|-----|----|-----|------|
| کار | خام | دشمنان | را | آب  | شو | آتش | مباش |
| ↓   | ↓   | ↓      | ↓  | ↓   | ↓  | ↓   | ↓    |
| نقش | نام | دوستان | را | موم | شو | آهن | مباش |

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. معنای بیت: حافظ، خطاب به باد سحرگاهی، می‌گوید: «اگر خواهان فرا رسیدن روز هستی، باید با وزیدن خود، پوشش محمل کجاوه‌ی یار را کنار بزنی تا او با روشنایی وجودش، شب را به روز تبدیل کند». استعاره‌ی مصرحه: «خورشید خرگاهی» استعاره از یاری که در خرگاه و خیمه حضور دارد. / تضاد: امشب و روز / سجع: سحرگاهی، می‌خواهی و خرگاهی در پایان نیم‌مصرع‌ها آمده‌اند و سجع می‌سازند. / استعاره‌ی مکنیه: خطاب قرار دادن باد. تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی ۱: بیت فاقد تشبیه است.

گزینه‌ی ۳: بیت فاقد موازنه است.

گزینه‌ی ۴: بیت فاقد کنایه است.

توضیح نکات درسی: دامن در معنای عام، حاشیه، کناره و دنباله‌ی پوشش و جامعه است و نمی‌توانیم ترکیب «دامن محمل» را لزوماً اضافه‌ی استعاره‌ی بدانیم بر همین مبنا کنایه دانستن «دامن محمل برافکن» وجهی ندارد.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. موازنه:

|    |    |    |     |   |       |    |    |     |       |     |
|----|----|----|-----|---|-------|----|----|-----|-------|-----|
| آه | از | آن | جور | و | تطاؤل | که | در | این | دامگه | است |
| ↓  | ↓  | ↓  | ↓   | ↓ | ↓     | ↓  | ↓  | ↓   | ↓     | ↓   |
| آه | از | آن | سوز | و | گدازی | که | در | آن  | محفل  | بود |

«این دامگه»: استعاره از این دنیا و مجاز به علاقه‌ی شباهت

واج‌آرایی: مصوّت بلند «آ» و صامت «د». تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی ۱: این بیت آرایه‌ی موازنه و تشبیه دارد.

گزینه‌ی ۲: «جام بلور» مجاز از باده است.

گزینه‌ی ۴: این بیت واج‌آرایی در صامت‌های خ و ل دارد. «گل» استعاره از یار و مجاز به علاقه‌ی شباهت است.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. بیت فاقد آرایه‌ی تشبیه است. تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه ۲: تکرار صامت «س»

گزینه ۳: سنگ و جنگ و تنگ: سجع

گزینه ۴: تقابل سجع‌های متوازن یا متوازی در بیت: موازنه

گزینه ۴ پاسخ صحیح است.

بیابان و کهسار و راغ آفریدی

↓ ↓ ↓ ↓ ↓ ↓

خیابان و گلزار و باغ آفریدی

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. در بیت گزینه ۳ آرایه‌ی ترصیع مشهود است زیرا کلمات هر دو مصراع دو به دو سجع متوازی دارند.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. ابیات «ب، ج، ه» موازنه دارند.

بیت «د» آرایه‌ی ترصیع دارد.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. زیرا در واژه‌های این گزینه سجع متوازن بین واژه‌ها دیده می‌شود.

|     |    |     |     |      |     |      |         |
|-----|----|-----|-----|------|-----|------|---------|
| خاک | را | چون | ناف | آهو  | مشک | زاید | بی‌قیاس |
| ↓   | ↓  | ↓   | ↓   | ↓    | ↓   | ↓    | ↓       |
| بید | را | چون | سرّ | طوطی | برگ | روید | بی‌شمار |

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. در سایر گزینه‌ها علاوه بر سجع متوازن، سجع متوازی هم دیده می‌شود اما در گزینه‌ی دو بین مطرب و ساقی فقط سجع متوازن برقرار است و وجود همین دو کلمه باعث شده تا به جای آرایه‌ی ترصیع، آرایه‌ی موازنه داشته باشیم.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. در این گزینه آرایه موازنه دیده نمی‌شود. در سه گزینه دیگر آرایه موازنه از نوع ترصیع به دلیل وجود سجع متوازی و متوازن در بین کلمات مصراع‌های هر بیت دیده می‌شود.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. در این گزینه بین دو مصراع هر بیت کلمات دو به دو سجع متوازن دارند. در گزینه‌ی ب: بین می و نی سجع متوازی هم دیده می‌شود. در سایر گزینه‌ها بین کلمات دو به دو سجع دیده نمی‌شود.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. تقاطع سجع‌های متوازن و متوازی در این ابیات، آرایه‌ی موازنه پدید آورده است.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. «دویده» و «ندیده» سجع متوازی دارند و «دویده» و «بپریده» سجع مطرب می‌سازند. تشریح دیگر گزینه‌ها:

گزینه ۱: جناس در بیت دیده نمی‌شود.

گزینه ۳: «بخش» در مصراع نخست به معنای «بخش» و در مصراع دوم به معنای «بهره» است ازین رو واژه‌آرایی ندارد. گزینه ۴: ترصیع در بیت وجود ندارد. واج‌آرایی «ر» در بیت آشکار است.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. در گزینه‌ی (۴) واژه‌های دو مصراع، دوبه‌دو سجع متوازی دارند و آرایه‌ی «ترصیع» را به وجود آورده‌اند. در سایر گزینه‌ها آرایه‌ی «موازنه» وجود دارد.

ترصیع:

|    |     |       |     |      |
|----|-----|-------|-----|------|
| ای | ماه | یگانه | چند | خسبی |
| ↓  | ↓   | ↓     | ↓   | ↓    |
| وی | شاه | زمانه | چند | خسبی |

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) موازنه:

|     |    |     |    |      |        |
|-----|----|-----|----|------|--------|
| جفا | پل | بود | بر | عائق | شکستی  |
| ↓   | ↓  | ↓   | ↓  | ↓    | ↓      |
| دفا | گل | بود | بر | دشمن | فشاندی |

(۲) موازنه

|     |    |     |     |     |     |   |    |
|-----|----|-----|-----|-----|-----|---|----|
| نظر | تا | کنی | عرض | نقل | است | و | می |
| ↓   | ↓  | ↓   | ↓   | ↓   | ↓   | ↓ | ↓  |
| نفس | تا | کشی | حرف | چنگ | است | و | نی |

(۳) موازنه

|    |    |       |     |     |      |
|----|----|-------|-----|-----|------|
| یا | ز  | غیرت  | هدر | کنم | خونت |
| ↓  | ↓  | ↓     | ↓   | ↓   | ↓    |
| یا | به | طوفان | تلف | شود | خونم |

گزینه ۱ پاسخ صحیح است.

- تصمیم شوروی مبنی بر استقرار موشک‌های میان برد در کوبا — جنگ سرد
- مهم‌ترین عرصه‌ی منازعه‌ی هویتی در دنیای امروز — رسانه‌ها و فضای مجازی قاره‌ی آفریقا، فقیرترین قاره‌ی مسکونی
- دنیاست در حالی که منابع ارزشمندی را داراست — اصطلاح مرکز و پیرامون
- تصویب قانون حذف دین از عرصه‌های حضور اجتماعی خود در مجلس فرانسه — جهان غرب با عبور از عقاید و ارزش‌های مسیحیت قرون وسطی به عقاید سکولار روی آورد.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است.

- اگر ناسازگاری با عقاید و ارزش‌ها در سطح رفتارها و هنجارها باشد، منجر به تعارض فرهنگی می‌شود.
- علل درونی تحولات فرهنگی، یا به ابداعات و نوآوری‌های مثبت و منفی افراد و اعضای جهان اجتماعی مربوط می‌شود یا به کاستی‌ها و بن‌بست‌های موجود در هویت فرهنگی جهان اجتماعی باز می‌گردد. فرهنگ دنیاگریز، راهبه شدن، مرتاض شدن و پیدایش فناوری‌های نوین از مصادیق آن است.
- بسیاری از جوامع غیرغربی، در رویارویی با جهان غرب، به دلیل اینکه مرعوب قدرت اقتصادی و سیاسی برتر غرب گشتند، به خودباختگی فرهنگی گرفتار شدند. خودباختگی جوامع غیرغربی در برابر جهان غرب را «غرب زدگی» می‌نامند.
- اگر عقاید و ارزش‌های یک جهان اجتماعی مطابق حق و فطرت انسان نباشد، جهان اجتماعی دچار از خودبیگانگی حقیقی (فطری) می‌شود.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. اگر واقعیت‌ها و آرمان‌های یک جهان اجتماعی مطابق حق باشد، دارای هویت حقیقی است. قرآن کریم فراموش کردن خداوند را سبب فراموشی انسان از خود می‌داند، «و لا تكونوا كالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنسَاهُمْ أَنفُسَهُمْ: همچون کسانی نباشید که خداوند را فراموش کرده‌اند، سپس خداوند نیز آن‌ها را از یاد خودشان برد.»

گزینه ۳ پاسخ صحیح است.  
- انسان صرفاً موجودی مکان‌مند و زمان‌مند نیست، انسان بعد اجتماعی و فرهنگی دارد و باید جامعه و فرهنگ را به خوبی بشناسد.

- جشن هنر شیراز به ریاست فرح پهلوی برگزار می‌شد.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. تشریح گزینه‌ی نادرست:

جهان غرب طی جنگ‌های صلیبی، پس از رویارویی با فرهنگ اسلامی و پذیرش برخی لایه‌های آن، بدون اینکه به جهان اسلام بپیوندد، تحولات هویتی پیدا کرد.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است.

جهان اجتماعی خودباخته به روش تقلیدی عمل می‌کند و ارتباطش را با فرهنگ و تاریخ خود از دست می‌دهد.  
اگ

ر عقاید و ارزش‌های یک جهان اجتماعی مانع از آشنایی اعضای آن با حقیقت انسان و جهان شود، آن جهان دچار از خودبیگانگی حقیقی (فطری) می‌شود.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است.

۱- اگر جهان اجتماعی در تعامل با جهان‌های دیگر بر عقاید و ارزش‌های خود پافشاری نکند و به عقاید و آرمان‌های خود پشت کند، دچار تحولات هویتی می‌شود.

۲- اگر اعضای جهان اجتماعی در رویارو شدن با جهان اجتماعی دیگر، مبهور و مقهور آن جهان اجتماعی شود، دچار خودباختگی فرهنگی می‌شود.

۳- جامعه خودباخته‌ای که در مواجهه با فرهنگ دیگر هویت خود را از یاد می‌برد به خودبیگانگی تاریخی دچار می‌شود.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه ۱: عبارت اول و دوم صحیح است، ولی عبارت سوم مربوط به غرب‌زدگی و خودباختگی فرهنگی است.

گزینه ۲: عبارت اول در مورد از خودبیگانگی تاریخی است و عبارت دوم در مورد از خودبیگانگی حقیقی است و عبارت سوم هم در مورد علل درونی تحول فرهنگی است.

گزینه ۳: عبارت اول در مورد تزلزل فرهنگی است و عبارت دوم در مورد بحران هویت است و عبارت سوم صحیح است.

جهان اسلام در مواجهه با فرهنگ یونان و روم (به دلیل اهمیت برای عقل و عقلانیت)، تنها عناصر عقلی این دو فرهنگ را اخذ کرد.

ارتباط جهان‌های اجتماعی با یکدیگر پذیرفته شده است و پرسش اساسی، نه در اصل ارتباط، بلکه در چگونگی آن است. اگر اعضای جهان اجتماعی، مبهوت و مقهور جهان اجتماعی دیگر شوند و در نتیجه، حالت فعال و خلاق خود را از دست بدهند، دچار خودباختگی فرهنگی می‌شوند. تنها جهان اجتماعی توحیدی است که انسان را با حقیقت خود و جهان هستی آشنا می‌کند.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. اگر جهان اجتماعی با حفظ عقاید، آرمان‌ها و ارزش‌های خود با جهان‌های اجتماعی دیگر تعامل و داد و ستد داشته باشد و در محدوده هنجارها و شیوه‌ی زندگی، عناصری را از جهان‌های اجتماعی دیگر بگیرد، زمینه‌ی گسترش و پیشرفت خود را فراهم می‌آورد.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. گزینه‌ی (۲) مربوط به تحولات هویتی جهان غرب می‌باشد.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است.

- قرآن کریم فراموش کردن خداوند را سبب فراموشی انسان از خود می‌داند.

- اگر عقاید و ارزش‌های یک جهان اجتماعی، مانع از آشنایی اعضای آن با حقیقت انسان و جهان شود، آن جهان دچار ازخودبیگانگی فطری حقیقی می‌شود.

- ارتباط و دادوستد جهان‌های اجتماعی مختلف با یکدیگر، عادی و متداول است، ولی این ارتباط می‌تواند شکل‌های مختلفی داشته باشد.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است.

اگر جهان اجتماعی، فرهنگ تاریخی خود را فراموش کند، دچار ازخودبیگانگی تاریخی می‌شود.

جهان اجتماعی خودباخته، به روش تقلیدی عمل می‌کند و ارتباطش را با فرهنگ و تاریخ خود از دست می‌دهد. بنابراین نه می‌تواند فرهنگ گذشته‌ی خود را تداوم ببخشد یا گسترش دهد و نه می‌تواند آن‌ها را کند و از آن بگذرد و به جهان اجتماعی دیگری که مبهوت و مقهور آن شده است، ملحق شود. خودباختگی جوامع غیرغربی در برابر جهان غرب را غربزدگی می‌گویند.

جهان اجتماعی توحیدی است که درهای آسمان و زمین را به روی انسان می‌گشاید و او را با حقیقت خود و جهان هستی آشنا می‌کند. انسانی که به خودآگاهی می‌رسد، خویش و جهان را آیات و نشانه‌های خداوند می‌یابد و همواره انیس و همنشین خداوند است.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. به دلیل اهمیتی که اسلام برای عقل و عقلانیت قائل است، جهان اسلام در مواجهه با فرهنگ یونان و روم، تنها عناصر عقلی این دو فرهنگ را اخذ کرد و به تناسب جهان‌شناسی توحیدی خود در دانش‌های مختلف آن‌ها دخل و تصرف کرد و عناصر اساطیری و مشرکانه‌ی آن‌ها را نپذیرفت.

قرآن کریم فراموش کردن خداوند را سبب فراموشی انسان از خود می‌داند.

هویت فرهنگی تا زمانی که عقاید و ارزش‌های مربوط به آن مورد پذیرش اعضای جهان اجتماعی و برای آن‌ها مهم باشد، دوام می‌آورد. هرگاه عقاید و ارزش‌ها اهمیت و اعتبار خود را نزد اعضای جهان اجتماعی از دست بدهند، دوام هویت فرهنگی با چالش‌هایی مواجه می‌شود.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. تنها در این گزینه است که جهان اجتماعی بر اثر تغییرات درونی دچار دگرگونی و پذیرش هویت کاملاً جدیدی شده است. سایر گزینه‌ها به مواردی اشاره دارد که جهان اجتماعی ضمن حفظ هویت خود، به تناسب عناصری را از فرهنگی دیگر اخذ کرده اما به آن نپیوسته است. (تعامل)

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. «لابدّ من تألیف کتاب»: ناگزیر باید کتابی تألیف کرد، ناچار باید کتابی نگاشت (رد گزینه‌ی «۲») / «یَضُمّ»: در برگیرد (رد گزینه‌ی «۲») / «مشتاقین» (حالا برای «السّائحين»): مشتاقانه، با اشتیاق (رد گزینه‌های «۱» و «۳») / «یحتوی علیّ»: در بردارد، در بر می‌گیرد (رد گزینه‌ی «۲») / «تُصنّع» (مضارع مجهول): ساخته می‌شود (رد گزینه‌های «۱» و «۳») / «لتناولّ»: برای خوردن (رد گزینه‌ی «۱»)

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. «هُناک»: (در این جا) وجود دارد، هست (رد گزینه‌های ۱ و ۳) / «تَنْقُلُ»: منتقل می‌کند، جابه‌جا می‌کند (رد گزینه‌های ۱ و ۴) / «یَجِبُ»: باید (رد گزینه‌ی ۱) / «کلّ من المُواطنين»: هر یک از شهروندان (رد گزینه‌های ۱ و ۳) نکات مهم درسی: ۱) هرگاه «هُناک» در ابتدای جمله بر سر اسم بیاید، به معنای «هست، وجود دارد» ترجمه می‌شود. ۲) «أنا بیب» بار اول به صورت نکره آمده و بار دوم همراه با «ال» تکرار شده است، پس «ال» در آن، به معنی اشاره (این، آن) ترجمه می‌گردد.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. «مصفاة عبّادان للنفط»: پالایشگاه نفت آبادان (رد گزینه‌های «۲ و ۴») / «تُعَدّ»: به‌شمار [حساب] می‌آید (رد گزینه‌ی «۲») / «أكبر مصفاة النفط»: بزرگترین پالایشگاه نفت (رد گزینه‌ی «۳») / «فی ایران»: در ایران (رد گزینه‌ی «۲») / «من مُنتجاتها هی»: از محصولات آن (رد گزینه‌ی «۴») / «الغاز السائل»: گاز مایع / «الموادّ الأولیّة لمصانع المطّاط»: مواد اولیه‌ی کارخانه‌های پلاستیک‌سازی (کائوچوسازی) (رد گزینه‌ی «۲»)

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. «إکتشف العلماء»: دانشمندان کشف کردند، دانشمندان کشف کرده‌اند / «سائلاً أسود»: مایعی سیاه، مایع سیاهی / «سّوه»: آن را نامیدند (رد گزینه‌های «۱ و ۳») / «فی عصرنا الحاضر»: در دوران کنونی ما (رد گزینه‌ی «۲») / «یستفید»: بهره می‌برد، استفاده می‌کند (رد گزینه‌ی «۲») / «وقود»: سوخت / «لمُعالجة الأمراض الجلدیّة»: برای درمان بیماری‌های پوستی (رد گزینه‌های «۱ و ۲») / «یُصدّر»: صادر می‌کند (رد گزینه‌های «۲ و ۳») / «قسماً»: قسمتی را، بخشی را / «البلدان الصناعیّة»: کشورهای صنعتی

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. بررسی گزینه‌ها: ۱) تقویم هجری همان است که آن را تقویم اسلامی می‌نامیم. ۲) ماه قمری همان مدتی است که زمین به دور ماه می‌چرخد. ۳) ماه‌های قمری از روزهای (دوره‌ی) جاهلیت به کار گرفته می‌شدند. ۴) مسلمانان تقویم هجری را برای مناسبات مذهبی به کار می‌گیرند. ترجمه‌ی متن:

«تقویم هجری همان است که به آن تقویم اسلامی گفته می‌شود. آن تقویم قمری است که بر اساس گردش ماه است برای تعیین ماه‌ها. و ماه قمری همان مدت زمانی است که ماه در آن یک دور کامل به دور زمین می‌چرخد و مسلمانان آن را در هر مکانی به کار می‌گیرند تا مناسبات دینی را تعیین کنند. هجرت حضرت رسول (ص) از مکه به مدینه مرجعی برای آغاز سال قرار داده شد. تقویم هجری در دوره‌ی مسلمانان بنا شد، ولی نام ماه‌ها و تقویم قمری از زمان روزگار جاهلیت به کار گرفته می‌شد.

ترجمه‌ی گزینه‌ها:

(۱) زیرا آن به هنگام گردش ماه در دوره‌ی جاهلیت به وجود آمد.

(۲) به خاطر هجرت رسول (ص) از مکه به مدینه.

(۳) برای تعیین ماه‌های قمری در هر جایی.

(۴) زیرا ماه یک دور کامل دور زمین می‌چرخد.

خطای این گزینه: معلوم - «يُطْلَقُ: اطلاق می‌شود» مجهول است!

خطای این گزینه: مرفوع بالنون (جمع‌های مذکر سالم در حالتی که به «وَنَ» ختم شوند، مرفوع به واو هستند).

ترجمه‌ی عبارت: «چیزها به وسیله‌ی متضادهایشان شناخته می‌شوند!» چنین مفهومی در گزینه ۳ دیده می‌شود!

کلمات مهم: از طریق لوله‌ها: «عبر الأنبیاب» (ردّ گزینه‌ی ۳، «الأنبوب: لوله» مفرد است نه جمع!) / از بندرها: «من الموانئ» (ردّ گزینه‌های ۲ و ۳) / به پالایشگاه‌ها: «إلى المصافي» (ردّ سایر گزینه‌ها، دقت کنید که «المصافی: پالایشگاه» مفرد و «المصافی» جمع آن است، همچنین به جایگاه حرف‌های «من: از» و «إلى: به» توجه کنید!) / منتقل می‌شود: «يُنْقَلُ: ردّ گزینه‌های ۱ و ۲، «يُنْقَلُ: منتقل می‌کند» معلوم است نه مجهول!

خطاهای سایر گزینه‌ها:

(۲) خارج می‌کنم «أُخْرِجَ: خارج شد» ماضی است نه مضارع ضمناً غایب (سوم شخص) است نه متکلم وحده (اول شخص)

(۳) روشن کردم («أَشْعَلْتُ: روشن شد» مجهول است نه معلوم!)

(۴) اتفاق می‌شود «أُتِفِقُ: اتفاق می‌کنم» معلوم است نه مجهول ضمناً متکلم وحده (اول شخص) است نه غایب (سوم شخص)

کلمات مهم: «هو أنشأكم»: او شما را پدید آورد (ردّ گزینه‌ی ۲، «أنشأ» ماضی و معلوم است! / «استَعْمَرَكُم فیهَا»: خواستار آباد کردن آن از شما شد (ردّ سایر گزینه‌ها)

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. صورت سؤال، عبارتی را می‌خواهد که در آن، نائب فاعل موصوف باشد؛ در گزینه ۱،

«أُنشِدْتُ» فعلی مجهول و «قصيدة» نائب فاعل آن است که موصوف واقع شده است، «رائعة» نیز صفت آن است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۲: «تُرِيْنُ» فعل مجهول این عبارت است و «حديقة» نائب فاعل است، اما موصوف نیست و مضاف به ضمیر متصل «نا» است. همچنین «تَنمو» فعلی معلوم است.

گزینه ۳: «يكتب» در این گزینه فعل معلوم است و کلمه «مَنْ» فاعل آن است.

گزینه ۴: «يُحَدِّرُ» در این گزینه فعل معلوم است و نائب فاعل ندارد.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. «در بندر»: فی المیناء (رد گزینه‌های ۱ و ۳) / «پدر مهربان»: (موصوف + صفت) الأب الحنون (رد گزینه‌های ۱ و ۲) / «من را رساند»: (فعل + نون وقایه + ضمیر ی) أَوْصَلَنِي (رد گزینه‌های ۱ و ۳) / «به خانه قدیمی‌اش»: إلى بيته القديم (رد گزینه‌های ۲ و ۳)

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. «اتصل»: تماس گرفت (رد گزینه ۲) / «مشرّف الفندق»: مدیر داخلی هتل (رد گزینه‌های ۲ و ۴) / «بمهندس الصيانة»: با مهندس تعمیرات (نگهداری) (رد گزینه ۲) / «تحدّث»: (بر وزن «تَفَعَّل» و ماضی است) صحبت کرد (رد گزینه ۲) / «معه»: با او (در گزینه ۴ ترجمه نشده است) / «عن»: در مورد، درباره / «تصليح»: تعمیر (رد گزینه ۴) / «المكيّف»: کولر / «النافذة التي»: پنجره‌ای که (رد گزینه ۳) / «لا تُغلق»: بسته نمی‌شود (رد گزینه ۳)

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. با توجه به عبارت «من الموانئ إلى المصافى»: از بندرها به پالایشگاه‌ها «درست می‌باشد که برعکس ترجمه شده است.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است.

در این عبارت «انقطع» از باب انفعال است که فعل‌های این باب هیچ وقت مجهول نمی‌شوند و «عُرقت» هم چون با فتحه شروع شده پس نمی‌تواند مجهول باشد پس در این گزینه نائب فاعل نداریم. در گزینه‌های دیگر به ترتیب «تُصنَع»، «يُصدَّر» و «تُوجد» فعل مجهول هستند و حتما نائب فاعل دارند.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. مایعی: «سائل» / به رنگ سیاه: «باللون الأسود» / ساخته می‌شود: «تُصنَع» / از آن: «منه» / چیزهایی قیمتی: «أشياء قيّمة»

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. در گزینه ۱، «تُساعِدُ» فعل معلوم و «أُمّ» فاعل است. در سایر گزینه‌ها، فعل‌ها طبق حرکتشان مجهول‌اند و نائب فاعل دارند.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. ترجمه صحیح عبارت: «هشت مسافر در ایستگاه اتوبوس در ساعت نه منتظر می‌ماندند.»

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. خسروانوشیروان، پسر و جانشین قباد، برای اصلاح امور اجتماعی و اقتصادی، اقداماتی انجام داد، در نتیجه‌ی این اقدامات، قدرت و نفوذ اشراف و نجبای درجه‌ی اول کاهش یافت و بر قدرت و نفوذ اشراف و نجبای درجه‌ی دوم افزوده شد.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. نظام طبقاتی جامعه‌ی ایران در عصر ساسانی تحت‌تأثیر دو عامل گسترش یافت و تثبیت شد: عامل نخست، تأسیس حکومت مرکزی قدرتمندی بود که خاندان ساسانی با توسعه‌ی تشکیلات اداری و دیوانی به جود آوردند. از این‌رو، گروه جدیدی به نام دبیران در این دوره به طبقه‌ی حاکم افزوده شد. عامل دوم، رسمیت یافتن دین زرتشتی و افزایش نفوذ و اختیارات موبدان بود.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. تنی چند از زنان خاندان شاهی مانند همسر یزدگرد دوم و دو دختر خسروپرویز به نام‌های بوران (پوران) و آذرمدخت بر تخت سلطنت نشستند. برگزاری جشن‌های گوناگون، فرصتی برای مردم بود که ضمن شادی، تفریح و معاشرت با یکدیگر، وفاداری خود را به پادشاه ابراز کنند.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. در دوران هخامنشیان، اعضای خاندان‌های بزرگ که خانواده‌ی شاهی در رأس آنها قرار داشت، از طرف پادشاه به سمت حکومت شهری‌ها، فرماندهی ارتش و سایر مناصب مهم حکومتی منصوب می‌شدند.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. خانواده، هسته اصلی جامعه آریایی نخستین بود و در آغاز، بسیار گسترده بود و تا عهد هخامنشی خانواده گسترده ادامه داشت اما پس از آن تحت تأثیر عوامل اقتصادی و اجتماعی به تدریج کوچکتر و محدودتر شد.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. برگزاری جشن‌های گوناگون، فرصتی برای مردم بود که ضمن شادی، تفریح و معاشرت با یکدیگر، وفاداری خود را به پادشاه ابراز کنند. این جشن‌ها، تأثیر بسزایی بر اتحاد و انسجام ایرانیان در طول تاریخ داشته و عامل مؤثری در تقویت هویت جمعی آنان بوده است.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. اقوام آریایی مهاجر به ایران از قبیله‌های گوناگونی تشکیل می‌شدند که از نظر تبار و زبان، خویشاوند بودند و باورهای دینی مشترکی داشتند.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. در زمان هخامنشیان طبقه‌ای از اشراف و بزرگان شکل گرفت که علاوه بر امتیازات ویژه‌ی اقتصادی، از مقام و منزلت اجتماعی بالاتری برخوردار بودند. هرودت و دیگر مورخان یونانی به نمونه‌های گوناگونی از تفاوت‌ها و نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی در میان ایرانیان در زمان هخامنشیان، مثلاً در خوراک، پوشاک، آداب معاشرت و تحصیل اشاره کرده‌اند.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. در دوره‌ی ساسانی اشراف‌زادگان فقط به امور جنگی، دیوانی، ورزش‌های رزمی، شکار و بزم می‌پراختند و معمولاً دیگر فعالیت‌ها را دور از شأن و مقام خویش می‌دانستند. زنان این طبقه با نوع لباس و زیورآلات، از دیگر زنان متمایز بودند.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. پس از آن‌که اقوام آریایی حکومت تشکیل دادند، سرزمین‌های مختلف را فتح کردند و به تدریج افراد و خاندان‌هایی که اداره‌ی حکومت را برعهده داشتند، به ثروت بیشتر و منزلت بالاتری دست یافتند. تمرکز قدرت و ثروت نزد عده‌ای خاص، موجب ایجاد نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی و شکل‌گیری طبقات اجتماعی به معنای واقعی آن شد. دوره‌ی کوتاه فرمانروایی مادها را باید سرآغاز این تحول دانست. گروه دبیران در دوره‌ی ساسانی به طبقه‌ی حاکم افزوده شد.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. در آثار و متون دینی و حقوقی مربوط به دوره‌ی ساسانی و قرون نخستین اسلامی، مطالب و گزارش‌هایی وجود دارد که دلالت بر حقوق اجتماعی و اقتصادی زنان در آن دوران می‌کند.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. جنگ‌های پیاپی با دشمنان خارجی موجب گرد آمدن شمار چشمگیری از اسیران جنگی در دوره‌ی اشکانی شده بود که در فعالیت‌های کشاورزی، ساختمان‌سازی، معادن شاهی و خدمات خانگی به کار گرفته می‌شدند.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. در مطالعات جمعیتی بررسی ساختمان یا ترکیب جمعیت از اهمیت خاصی برخوردار است. همچنین برنامه‌ریزان برای تحقق برنامه‌های تأمین اجتماعی، ارتقای سطح سلامت جامعه، بهبود وضعیت سالمندان و جلوگیری از پیری جمعیت از اطلاعات و آمارهای سنی و جنسیتی کمک می‌گیرند.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. حوضه‌ی آبریز خارجی مساحتی از کشور است که آب رودهای آن به دریاها یا اطراف می‌ریزد، اما در طول مسیر مورد استفاده قرار می‌گیرد. اما حوضه‌ی آبریز داخلی مساحتی از کشور است که تمام آب آنها در کشور جریان داشته و وارد دریاچه‌های داخلی می‌شود.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. طبق نمودار هرم سنی کشور آلمان، مشاهده می‌شود که میزان مولید در آن کم و جمعیت سالمند بیشتر است و به همین دلیل قاعده‌ی هرم سنی آن پهن نبوده و نمی‌تواند میزان جمعیت فعال و نیروی کار زیاد و جوانی داشته باشد، زیرا جمعیت این کشور رو به سالمندی می‌رود.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است.

الف) در ایران بیشتر بارش‌ها در اواخر فصل پاییز تا اوایل فصل بهار قرار دارد. به همین دلیل هر چه به پایان این دوره نزدیک‌تر می‌شویم، آبدهی رودها بیشتر می‌شود.

د) مقدار آب رودهای مناطق نسبتاً خشک در سال‌های مختلف متفاوت است.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است.

ب) سطح آب دریای خزر نسبت به سطح سایر آب‌های آزاد حدود ۲۸ متر پایین‌تر است.

د) قشم، بزرگ‌ترین جزیره‌ی خلیج‌فارس محسوب می‌شود.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. تنگه‌ی هرمز که محل اتصال بین خلیج‌فارس و دریای عمان است یکی از مهم‌ترین مکان‌های استراتژیک جهان است.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. در دهه‌های اخیر، نقش انسان به عنوان عامل تأثیرگذار در پراکندگی جمعیت، نسبت به گذشته، افزایش چشمگیری داشته است.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. پس از اصلاحات اراضی در دهه‌ی ۴۰، تعداد زیادی از روستاییان به علت نداشتن زمین و مشکلات اقتصادی به شهرهای بزرگ مهاجرت کردند.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است.

منطقه‌ی مکران در جنوب استان سیستان و بلوچستان و اطراف چاله‌ی جازموریان در کرمان، واقع شده است.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. در سال‌های اخیر تغییرات اقلیمی سبب تغییرات جریان آب رودهای زاگرس شده است.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. دریای عمان، به واسطه‌ی مجاورت با آب‌های آزاد (اقیانوس هند) و وجود سواحل با قابلیت‌های دفاعی مناسب از نظر اقتصادی و نظامی اهمیت بسیاری برای ایران دارد.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. نقش ارتباطی بین سه قاره در گذشته اهمیت داشته و اکنون نیز به عنوان زنجیره‌ی حمل‌ونقل کالا و نفت بیش‌تر از همیشه نمایان است.

نکته‌ی مهم درسی: چهار اهمیت خلیج فارس در خاورمیانه: ۱- ارتباطی ۲- بزرگ‌ترین منبع انرژی ۳- برخورداری از درآمد ارزی ۴- ناحیه‌ی جغرافیایی - سیاسی جهان اسلام

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. خلیج‌فارس در مرکز و قلب ناحیه‌ی جغرافیایی و سیاسی جهان اسلام قرار دارد.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. از آنجایی که براساس اطلاعات صورت سؤال، نقیض «هر ج ب است» کاذب است، یعنی خود آن صادق است و به عبارت دیگر عبارت «هر ج ب است» صادق خواهد بود. در نتیجه متناقض و متضاد آن کاذب خواهند بود. اما متداخل آن که قضیه‌ی «بعضی ج ب است» (موجهی جزئی) می‌باشد، صحیح و صادق خواهد بود. بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه‌ی «۱»: متضاد قضیه‌ی موجهی کلیه (خود قضیه‌ی صورت سؤال) کاذب خواهد بود.

گزینه‌ی «۲»: سالبه‌ی جزئی متناقض قضیه‌ی صورت سؤال و در نتیجه کاذب است.

گزینه‌ی «۴»: سالبه‌ی کلیه همان متضاد قضیه‌ی صورت سؤال است و در نتیجه کاذب خواهد بود.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. بین موضوع و محمول قضیه‌ی «موجهی جزئی» می‌تواند نسبت تساوی، عموم و خصوص مطلق یا عموم و خصوص من وجه برقرار باشد و بین موضوع و محمول قضیه‌ی «موجهی کلیه» نسبت تساوی یا عموم خصوص مطلق می‌تواند برقرار باشد.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. گزینه اول نادرست است، زیرا عکس مستوی موجه جزئی، موجب جزئی می‌شود و در گزینه ۱ برای عکس مستوی موجه جزئی، سالبه جزئی آورده است که همین باعث غلط شدن این گزینه می‌شود.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است.

|                                                                                                       |                                                                                                |
|-------------------------------------------------------------------------------------------------------|------------------------------------------------------------------------------------------------|
| ۱- برخی الف ب است (قضیه اصلی و صادق)                                                                  | ۱- هیچ الف ب نیست (قضیه اصلی و کاذب)                                                           |
| ۲- برخی ب الف است (عکس ۱ و صادق)                                                                      | ۲- برخی الف ب است (تناقض ۱ و صادق)                                                             |
| ۳- هیچ ب الف نیست (تناقض ۲ و کاذب)                                                                    | ۳- برخی ب الف است (عکس ۲ و صادق)                                                               |
| ۴- برخی ب الف نیست (تداخل ۳ و نامعلوم: چون در تداخل نمی‌توان از صدق جزئی به صدق یا کذب کلی مشخص کرد.) | ۴- هر ب الف است (تداخل ۳ و نامعلوم: چون در تداخل نمی‌توان از صدق جزئی به صدق یا کذب کلی رسید.) |

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. اگر قضیه‌ای درباره یک لفظ خاص باشد، مانند قضیه «سیمرغ، بی‌معنا نیست»، آن‌گاه چون موضوع آن مفهومی جزئی است، پس قضیه‌ای شخصی است.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است.

رابطه‌ی میان قضیه‌ی «بعضی الف، ب نیست.» با قضیه‌ی «هر الف، ب است.» در تناقض است. در تناقض اگر قضیه‌ی اصل صادق باشد، تناقض آن لازم‌الکذب است.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. برخی جملات، انشایی هستند، یعنی خبری از عالم خارج نمی‌دهند، بلکه تمایلات، احساسات، خواسته‌ها و اموری از این دست را مطرح می‌کنند. در نتیجه این جملات که قابلیت صدق و کذب را ندارند، در منطق بررسی نمی‌شوند. بررسی سایر گزینه‌ها:

۱، ۲ و ۳ هر سه گزینه جزء جملات انشایی هستند و به ترتیب عبارت‌اند از:

«پرسشی و امری»، «منادا» و «امری» در نتیجه در منطق بررسی نمی‌شوند.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. عبارت صورت سؤال به یک قضیه موجه کلیه اشاره دارد. منظور پرسش این است که اگر قضیه (هر الف ب است) صادق باشد، کدام گزینه صادق است؟ عبارت گزینه سوم، عکس مستوی (هر الف ب است) می‌باشد و صادق است. نکته: بدون دانستن قواعد منطقی و آشنایی با احکام قضایا، صرفاً از روی اطلاعات عمومی نیز این سؤال قابل پاسخگویی بود.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. رابطه دو جزء قضایای شرطی منفصل مانعة الجمع به این صورت است که اگر یک جزء صادق باشد، جزء دیگر کاذب است و اگر یک جزء کاذب باشد جزء دیگر نامعلوم است که این رابطه همانند حکم تضاد بین دو قضیه حملی است.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. جزئی و کلی بودن «سور قضیه» مربوط به مصادیق موضوع است و جزئی و کلی بودن «موضوع قضیه» مربوط به مفهوم موضوع است.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. «ای کاش در امتحان قبول می‌شدم» به دلالت مطابقی جمله انشایی است، اما به دلالت التزام به معنای این است که «من در امتحان قبول نشدم» که یک قضیه است. گزینه ۲ به دلالت مطابقی قضیه است، نه به دلالت التزام.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. شکل استاندارد قضیه عبارت است از: انسان مؤمن (موضوع) غیبت‌کننده پشت سر دیگران (محمول) نیست (نسبت).

تذکر: قضایایی که فعل آن‌ها اسنادی نیست، باید آن‌ها را به فعل اسنادی تبدیل کرد. در منطق افعال «است، بود، شد، گشت و گردید» به عنوان رابطه در نظر گرفته می‌شوند. بنابراین قضایایی را که با سایر افعال به کار می‌روند، نخست باید به یکی از این افعال تبدیل کنیم، سپس محمول و موضوع قضیه را مشخص کنیم.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. تنها جملات خبری‌اند که قابلیت صادق یا کاذب بودن دارند و مطابقت آن‌ها با واقعیت قابل تعیین است. در جملات انشایی نمی‌توان حکمی صادر کرد، زیرا حکم همان خبر و قضاوت درباره‌ی یک واقعیت است که قابلیت بررسی صدق و کذب را دارد. بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) جملات انشایی را نمی‌توانیم با واقعیت مطابقت دهیم، اعم از این‌که واقعیت خارجی و یا ذهنی باشد. تذکر: برای تعیین صدق و کذب برخی قضایا (نه جملات انشایی) آن‌ها را باید با ذهن مطابقت داد (مانند: من شاد هستم). و برخی قضایا را باید با خارج مطابقت داد.

(۲) جملات انشایی بامعنا هستند و می‌توانیم معنای آن‌ها را تشخیص دهیم، اما چون خبری را نمی‌رسانند، قابلیت صدق و کذب ندارند و در نتیجه قضیه محسوب نمی‌شوند.

(۴) حقیقت به معنای واقعیت نیست، اگر چه به غلط در برخی مواقع به جای هم به کار می‌روند. فهم انسان اگر از یک واقعیت درست باشد، حقیقت گفته می‌شود و گرنه خطا است. بنابراین حقیقت و خطا ویژگی‌های فهم انسان هستند.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. فقط گزینه‌ی ۴ یک قضیه است. تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی ۱: یک جمله‌ی شرطی است نه قضیه‌ی شرطی

گزینه‌ی ۲: ای حرف ندا است، خبری نیست و قضیه هم محسوب نمی‌شود.

گزینه‌ی ۳: جمله‌ی سؤالی است؛ جملات سؤالی قضیه نیستند.

۱۲۵

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. این دو قضیه با هم رابطه‌ی تداخل تحت تضاد دارند. در تداخل تحت تضاد امکان دارد که هر دو قضیه صادق باشند اما ممکن نیست که هر دو کاذب باشند. لذا اگر این دو قضیه را به صورت یک قضیه‌ی شرطی متصل بازنویسی کنیم، قضیه‌ی ما مانعة الرفع خواهد بود (اجتماع طرفین مجاز و ارتفاع طرفین محال است).

۱۲۶

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. متناقض عکس مستوی قضیه‌ی اصل  $\leftarrow$  سالبه‌ی کلی  $\Leftarrow$  عکس مستوی قضیه‌ی اصل  $\leftarrow$  موجهه‌ی جزئی  $\Leftarrow$  قضیه‌ی اصل  $\Leftarrow$  موجهه‌ی کلی  $\leftarrow$  موجهه‌ی جزئی

۱۲۷

گزینه ۴ پاسخ صحیح است.  
عکس مستوی موجهه‌ی کلی، موجهه‌ی جزئی است.

۱۲۸

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. گاهی اوقات در قضایای محصوره برای شمارش و حصر تعدادی از مصادیق موضوع از عدد استفاده می‌شود. در این حالت که عدد ذکر شده خودش جزو موضوع قضیه نیست، بلکه کمیت آن را مشخص می‌کند و می‌توان آن را جایگزین سور جزئی گرفت. پس چنین قضیه‌ای محصوره به شمار می‌رود.  
دو دانش‌آموز غایب بودند = بعضی دانش‌آموزان غایب بودند

۱۲۹

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. به جملات با معنایی که درباره‌ی چیزی خبر می‌دهند و می‌توانیم درباره‌ی صدق یا کذب آن‌ها سخن بگوییم «قضیه» می‌گویند. جملات امری نظیر «دل در کسی مبند که دل‌بسته‌ی تو نیست» و جملات سوالی مثل «چگونه آدمی هستی» قضیه نیستند (رد گزینه‌های ۱ و ۴).  
خود قضیه به دو نوع تقسیم می‌شود. به قضیه‌ای که در آن به ثبوت یا نفی چیزی برای چیزی حکم می‌شود، قضیه‌ی حمله می‌گویند.

قسم دیگر قضیه، قضایای شرطی هستند؛ نظیر «گرم تو دوستی از دشمنان ندارم باک» (رد گزینه‌ی ۲)

۱۳۰

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. به جملات با معنایی که درباره‌ی چیزی خبر می‌دهند و می‌توانیم درباره‌ی صدق (درستی) یا کذب (نادرستی) آن‌ها سخن بگوییم، «قضیه» می‌گویند. دلایل نادرستی سایر گزینه‌ها:  
گزینه‌ی ۱: جمله ناتمام است. جملات ناتمام قضیه محسوب نمی‌شوند.  
گزینه‌ی ۲: جمله تعجبی است و قابلیت صدق و کذب ندارد.  
گزینه‌ی ۴: جملات امری جزو جملات انشایی هستند (در کنار جملات پرسشی، تعجبی و ...). تنها جملات خبری قابلیت صدق و کذب دارند.

۱۳۱

گزینه ۴ پاسخ صحیح است.  
تولید افراد کشور که در خارج ساکن هستند + تولید خارجیان مقیم کشور - تولید داخلی = تولید ناخالص ملی  
هزار میلیارد ریال ۲۰ = تولید خارجیان مقیم کشور  $\Rightarrow$  ۱۰ + تولید خارجیان مقیم کشور - ۲۴۵ = ۲۳۵

مجموع کل سهم دهک‌ها به جز سهم دهک هشتم - ۱۰۰ = سهم دهک هشتم  
 $\Rightarrow$  سهم دهک هشتم =  $100 - (2 + 3 + 4 + 6 + 8 + 10 + 12 + 18 + 22)$   
 $\Rightarrow$  درصد ۱۵ =  $100 - 85$  = سهم دهک هشتم

میلیون دلار  $5/4 = 36 \times \frac{15}{100}$  = سهم دهک هشتم از درآمد ملی

(ب) در توزیع درآمد به روش شاخص دهک‌ها مردم کشور به ده گروه جمعیتی مساوی تقسیم می‌شوند. در نتیجه اگر جمعیت کل کشور ۷ میلیون نفر باشد، خواهیم داشت:

هزار نفر ۷۰۰ = میلیون نفر  $0/7 = \frac{7}{10}$  = جمعیت دهک دهم

(ج) در کشور A داریم:

۴۰ درصد از درآمد ملی این کشور به ۲۰ درصد پردرآمد جامعه تعلق دارد.

۱۵ درصد از درآمد ملی این کشور به ۴۰ درصد پایین جامعه تعلق دارد.

۲۳ درصد از درآمد ملی به ۵۰ درصد کم درآمد جامعه تعلق دارد.

۵۵ درصد از درآمد ملی به ۳۰ درصد بالای جامعه تعلق دارد.

اطلاعات ذکر شده در مورد وضعیت توزیع درآمد کشور A در همه‌ی گزینه‌ها به جز گزینه‌ی «ا» صحیح است.

(د) 
$$\text{شاخص توزیع درآمد در کشور A} = \frac{\text{سهم دهک دهم}}{\text{سهم دهک اول}} = \frac{22}{2} = 11$$

گزینه ۳ پاسخ صحیح است.

ریال  $2,500 = 1,600 + 900 = (20 \times 80) + (90 \times 10)$  GDP اسمی سال ۱۳۸۹

ریال  $7,800 = 3,000 + 4,800 = (30 \times 100) + (120 \times 40)$  GDP اسمی سال ۱۳۹۰

GDP واقعی سال ۱۳۹۰ براساس قیمت‌های سال ۱۳۸۹

ریال  $3,600 = 2,400 + 1,200 = (30 \times 80) + (120 \times 10)$

$$\text{نرخ رشد GDP اسمی سال ۱۳۹۰} = \frac{\text{GDP اسمی سال ۱۳۹۰} - \text{GDP اسمی سال ۱۳۸۹}}{\text{GDP اسمی سال ۱۳۸۹}} \times 100$$

$$= \frac{7,800 - 2,500}{2,500} \times 100 = 212 \text{ درصد}$$

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. هرگاه اقتصاددانان در محاسبه درآمد مردم برای شاخص دهک‌ها به مشکل برخوردند از هزینه

خانوار استفاده می‌کنند زیرا هزینه خانوار بیانگر درآمد آنهاست. یعنی اقتصاددانان به جای اختلاف درآمدی اختلاف

هزینه‌ای را محاسبه می‌کنند و از آن برای شاخص دهک‌ها استفاده می‌کنند.

الف) فقط مورد گزینه‌ی «۴» در تولید ناخالص داخلی محاسبه می‌شود.

بررسی سایر موارد:

گزینه‌ی «۱»: در تولید ناخالص داخلی محاسبه نمی‌شود، چرا که موتور خودرو نمونه‌ای از کالاهای واسطه‌ای است و در تولید کالای نهایی یعنی خودروی مونتاژ شده استفاده شده است.

گزینه‌ی «۲»: در تولید ناخالص داخلی محاسبه نمی‌شود، زیرا موارد غیرقانونی در محاسبات لحاظ نمی‌شوند.

گزینه‌ی «۳»: در تولید ناخالص داخلی محاسبه نمی‌شود، چرا که ارزش حاصل از خرید و فروش کالاهای دست دوم از جمله خودرو، در محاسبات لحاظ نمی‌شوند.

ب) بررسی موارد نادرست:

گزینه‌ی «۱»: همه‌ی عوامل یا منابع تولید در اقتصاد کمیاب‌اند.

گزینه‌ی «۲»: حتی اگر یک کشور کالاهایی را از دیگر کشورها بخرد، هنوز با کمیابی و مبادله مواجه است.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. ۱۳۶

الف) مجموع سهم تمامی دهک‌ها برابر با ۱۰۰ می‌باشد.

از آن‌جا که مجموع سهم دهک‌های معلوم معادل  $(۹۰ = ۱۸ + ۱۷ + ۱۵ + ۱۲ + ۹ + ۷ + ۵ + ۴ + ۳)$  درصد ۹۰ می‌باشد، بنابراین سهم دهک مجهول یعنی سهم ششم برابر با ۱۰ درصد  $(۱۰۰ - ۹۰ = ۱۰)$  است.

برای شکل‌گیری شاخص دهک‌ها، مردم کشور را به ده گروه جمعیتی مساوی تقسیم می‌کنند. بنابراین جمعیت افراد در هر دهک برابر خواهد بود با:

$$\text{میلیون نفر } ۳ = \frac{۳۰}{۱۰} = \text{جمعیت افراد هر دهک}$$

$$\text{میلیون دلار } ۲,۱۶۰ = ۲۱,۶۰۰ \times \frac{۱۰}{۱۰۰} = \text{سهم دهک ششم از درآمد ملی کشور}$$

$$\text{دلار } ۷۲۰ = \frac{۲,۱۶۰}{۳} = \text{سهم هر یک از افراد دهک ششم از درآمد ملی} = \text{درآمد سرانه‌ی افراد دهک ششم}$$

ب) اگر بخواهیم شاخص دهک‌ها در کشور کوبا برابر با عدد  $۴/۵$  شود، سهم دهک دهم باید برابر با  $۱۳/۵$  درصد شود:

$$\text{درصد } ۱۳/۵ = \text{سهم دهک دهم} \Rightarrow \frac{۴/۵}{۳} = \frac{\text{سهم دهک دهم}}{\text{سهم دهک اول}} \Rightarrow \frac{۴/۵}{۳} = \frac{\text{سهم دهک دهم}}{\text{سهم دهک اول}}$$

در صورت سؤال گفته شده که وضعیت توزیع درآمد در کشور کوبا مناسب‌تر از کشور A شود، در نتیجه سهم دهک دهم که اکنون برابر با ۱۸ درصد است، باید بیشتر از  $۴/۵$  درصد  $(۴/۵ = ۱۸ - ۱۳/۵)$  کاهش یابد تا سهم دهک دهم کمتر از  $۱۳/۵$  درصد شود و در نتیجه شاخص دهک‌ها کوچک‌تر از  $۴/۵$  شود.

ج) بررسی قسمت «ج» گزینه‌ها:

گزینه‌ی «۱»: نادرست است، ۳۵ درصد درآمد ملی این کشور  $(۳۵ = ۱۷ + ۱۸)$  در اختیار ۱۶ میلیون نفر پردرآمد جامعه (یا همان ۲۰ درصد پردرآمد جامعه یا دهک‌های دهم و نهم) قرار دارد.

گزینه‌ی «۲»: نادرست است، ۲۸ درصد درآمد ملی این کشور  $(۲۸ = ۹ + ۷ + ۵ + ۴ + ۳)$  در اختیار ۵۰ درصد کم درآمد جامعه (دهک‌های اول، دوم، سوم، چهارم و پنجم) قرار دارد.

گزینه‌ی «۳»: صحیح است. ۱۹ درصد درآمد ملی این کشور  $(۱۹ = ۷ + ۵ + ۴ + ۳)$  در اختیار ۴۰ درصد کم درآمد جامعه (دهک‌های اول، دوم، سوم و چهارم) قرار دارد.

۴) صحیح است. ۵۰ درصد درآمد ملی این کشور  $(۵۰ = ۱۵ + ۱۷ + ۱۸)$  در اختیار ۳۰ درصد پردرآمد جامعه (دهک‌های هشتم، نهم و دهم) قرار دارد.

- سبب‌زمینی فروخته شده به کارخانه‌ی تولید چیپس، یک کالای واسطه‌ای محسوب می‌شود، و از آنجا که ارزش آن در تولید نهایی (چیپس) محاسبه می‌شود، نباید آن را جداگانه محاسبه کنیم.

- کار بدون دستمزد در محاسبه‌ی تولید ناخالص داخلی لحاظ نمی‌شود. در اینجا دستمزد دریافت‌شده اما مبلغ کمتر است، بنابراین حساب می‌شود.

- خدمات خالکوبی جزء اقتصاد زیرزمینی و غیرقانونی است که در محاسبه لحاظ نمی‌شود. زیرا اطلاعات دقیقی از آن در دسترس نیست و محاسبه‌ی آن نوعی مشروعیت‌بخشی به این‌گونه فعالیت‌ها می‌شود.

- تولید ناخالص داخلی، کالاها و خدماتی را که در داخل مرزهای یک کشور تولید می‌شود، اندازه می‌گیرد، صرف نظر از این که چه شهروندی آن را تولید کرده است. از این رو، تولید ناخالص داخلی ایران، جمع تمام تولیداتی است که شرکت‌ها و افرادی که در ایران فعالیت می‌کنند، آن‌ها را تولید کرده‌اند، حتی اگر بخشی از این تولید متعلق به خارجی‌ها (مثل چینی‌ها) باشد.

- تولید ناخالص داخلی تنها شامل کالاهای نهایی و خدمات تولیدشده در یک سال تقویمی از اول فروردین تا پایان اسفند است. این مقدار شامل فروش اقلام باقی‌مانده از سال قبل نمی‌شود، یعنی چیزهایی که در یک سال تولید می‌شود و د سال بعد فروخته می‌شود.

الف) رشد و پیشرفت، نقطه‌ی مقابل رکود است.

ب) کشورها معمولاً با سرمایه‌گذاری بیشتر یا به‌کارگیری روش‌های بهتر و فناوری مناسب‌تر، ظرفیت تولیدی خود را افزایش می‌دهند و این امر به درآمد بیشتر می‌انجامد.

پ) رشد اقتصادی یک هدف مشترک است، زیرا کشور را قادر می‌سازد کالاها و خدمات بیشتری تولید کند و گام مؤثری برای تأمین نیازها و خواسته‌های شهروندان خود بردارد.

$$\frac{\text{سهم دهک دهم}}{\text{سهم دهک اول}} = \text{شاخص وضعیت توزیع درآمد (شاخص دهکها)}$$

$$\text{درصد ۱} = \frac{۵}{۱۰۰} \times \text{سهم دهک دهم} = \frac{۵}{۱۰۰} \times ۲۰ = ۱$$

$$\text{شاخص دهکها در کشور A} = \frac{۲۰}{۱} = ۲۰$$

$$\text{شاخص دهکها در کشور B} = \frac{۱۶}{۴} = ۴$$

$$\text{شاخص دهکها در کشور C} = \frac{۳۲}{۲} = ۱۶$$

$$۲۴ = ۴ \times ۶ = \text{سهم دهک ششم} \times ۴ = \text{سهم دهک دهم در کشور D}$$

$$\text{شاخص دهکها در کشور D} = \frac{۲۴}{۳} = ۸$$

هر چه شاخص وضعیت توزیع درآمد (شاخص دهکها - نسبت سهم دهک دهم به سهم دهک اول) بیشتر باشد: توزیع درآمد در آن جامعه نامناسبتر است و بالعکس. در نتیجه:

- وضعیت توزیع درآمد در کشور A با شاخص دهک ۲۰، نامناسبتر از وضعیت توزیع درآمد در سایر کشورها است.
- وضعیت توزیع درآمد در کشور B با شاخص دهک ۴، عادلانهتر از وضعیت توزیع درآمد در سایر کشورها است.
- دهک اول کشور A که برابر با ۱ درصد است در مقایسه با سایر دهکها کمتر است و کمترین درصد درآمد ملی را دارد.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. ۱۴۰

$$\text{الف) تولید ناخالص داخلی واقعی در سال دوم} = (۴۸۰ \times ۴۰۰) + (۵۲۰ \times ۱۵۰۰)$$

$$= ۷۸۰,۰۰۰ + ۱۹۲,۰۰۰ = ۹۷۲,۰۰۰ \text{ هزار میلیارد ریال}$$

ب)

$$\text{هزار میلیارد ریال } ۸۰۳,۰۰۰ = ۱۲۸,۰۰۰ + ۶۷۵,۰۰۰ = (۳۲۰ \times ۴۰۰) + (۴۵۰ \times ۱۵۰۰) = \text{تولید در سال پایه}$$

$$(۶۲۰ \times ۴۰۰) + (۷۵۰ \times ۱۵۰۰) = \text{تولید ناخالص داخلی واقعی در سال سوم}$$

$$= ۱,۳۷۳,۰۰۰ + ۲۴۸,۰۰۰ = ۱,۶۲۱,۰۰۰ \text{ هزار میلیارد ریال}$$

$$\text{تولید ناخالص داخلی سال قبل - تولید ناخالص داخلی سال جاری} \times ۱۰۰ = \frac{\text{تولید ناخالص داخلی سال قبل}}{\text{تولید ناخالص داخلی سال جاری}} \times ۱۰۰$$

$$\text{درصد } ۷۰/۹۸ = \frac{۱,۳۷۳,۰۰۰ - ۸۰۳,۰۰۰}{۸۰۳,۰۰۰} \times ۱۰۰ = \text{نرخ رشد تولید واقعی در سال سوم نسبت به سال پایه}$$

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. ۱۴۱

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. ۱۴۲

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. ۱۴۳

$$۷ = ۸ - \text{سهم دهک هشتم} \Rightarrow ۷ = \text{سهم دهک پنجم} - \text{سهم دهک هشتم}$$

$$\Rightarrow \text{درصد } ۱۵ = \text{سهم دهک هشتم}$$

می‌دانیم مجموع سهم همه دهک‌ها برابر با ۱۰۰ درصد است، بنابراین خواهیم داشت:

$$(\text{مجموع سهم تمامی دهک‌ها به جز سهم دهک دهم}) - ۱۰۰ = \text{سهم دهک دهم}$$

$$\text{درصد } ۱۷ = ۸۳ - ۱۰۰ = (۱۵ + ۱۳ + ۱۲/۵ + ۸ + ۶/۵ + ۵ + ۴/۵ + ۳) - ۱۰۰$$

$$\frac{\text{سهم دهک دهم}}{\text{سهم دهک اول}} = \frac{۱۷}{۳} \approx \frac{۵}{۶} = \text{شاخص دهک‌ها}$$

